خاتم انبيا، خاتم اوصيا

 مجتبي کلباسي

بسم الله الرحمن الرحيم

امام زمان (عج)، ادامه دهندة راه پيامبر (ص) و تحقق‌بخش اصول رسالت‌هاي الهي او است. آن حضرت، تعاليم پيامبر (ص) را در بخش‌هاي گوناگون زندگي، عينيت بخشيده و جامة عمل مي‌پوشاند؛ چرا كه او عصارة نبوت و احياگر سنت پيامبر (ص) است: و مجدّداً لما عطّل من احكام كتابك و سنن نبيّك...1

رسول اعظم (ص) دربارة سيرة آخرين وصيّ خود، حضرت مهدي(عج) مي‌فرمايد: يقيم الناس علي ملتي و شريعتي و يدعوهم الي كتاب الله عزوجل2؛ مردم را بر شيوه و شريعت من بر مي‌انگيزد و آنان را به كتاب خداي عزوجل فرا مي‌خواند.

راه و روش پيامبر (ص)، سرلوحة برنامه‌هاي حضرت است و اين تنها يادگار همة انبيا و اوليا، وارث اين معارف و تعاليم، و مجري سازش‌ناپذير آنها است.

امام صادق(ع) فرمود:

چون مهدي قيام كند، به مسجدالحرام رود و رو به كعبه و پشت به مقام ابراهيم بايستد و دو ركعت نماز گزارد؛ آن‌گاه فرياد برآورد: اي مردمان! منم يادگار آدم، و يادگار ابراهيم، و يادگار اسماعيل، و يادگار محمد (ص)....3

در سلام به امام موعود آمده است: السلام عليك يا بقية الله في ارضه4؛ سلام بر تو اي ذخيرة خدا در زمين!.

اين تعبير، روشنگر راه و رسالت امام موعود (عج) و وارث پيامبر (ص) است. او ذخيره و يادگار همة نيكان و صالحان و اولياي الهي است كه در خطي كه خدا ترسيم كرده، گام بر مي‌دارد و در سراسر زمين، خواست‌ها و آرمان‌هاي همة درس‌آموزان مَدرس وحي را تحقق مي‌بخشد.

از اين رو، شناخت رسول اكرم (ص)، پيش‌درآمد شناخت حجت است. در دعايي كه امام صادق (ع) به زراره تعليم فرموده، آمده است:

اللهم عرّفني نفسك فانك إن لم‌تعرّفني نفسك، لم‌اعرف نبيك. اللهم عرّفني نبيّك فانك ان لم‌تعرفني نبيك، لم اعرف حجّتك. اللهم عرّفني حجتك فانك ان لم‌تعرّفني حجتك، ضللت عن ديني.5

در اين دعا، شناخت امام و حجت، در گرو شناخت رسول خدا (ص) معرفي شده است؛ در نتيجه، اگر پيامبر (ص) شناخته نشود، امام و حجت، شناخته نخواهد شد، و اگر كسي حجت الهي زمان خود را نشناسد، گمراه خواهد بود.

امام صادق (ع) مي‌فرمايد:

كسي كه به همة امامان( اقرار كند و امام مهدي(عج) را انكار نمايد، مانند كسي است كه به همة انبيا اقرار كند؛ و نبوت ]حضرت[ محمد (ص) را انكار نمايد.6

پيامبر اكرم (ص) مي‌فرمايد:

هر كس قائم از اولاد من را در دوران غيبتش انكار كند، به مرگ جاهليت مرده است.7

در روايت ديگري، پيامبر اكرم (ص)، حضرت مهدي(عج) را صاحب پرچم محمدي (ص) و دولتش را دولت احمدي معرفي مي‌كند: يظهر صاحب الرّاية المحمديّة و الدّولة الاحمديّة...8

از مجموعه احاديث چنين بر مي‌آيد كه سنت حضرت مهدي (عج)، همان سنت و روش پيامبر اكرم (ص) است. حضرت مهدي (عج) برنامه‌ها و اهداف آن حضرت را پي مي‌گيرد و با بهره‌مندي از تعاليم محمدي، حكومت جهاني تشكيل مي‌دهد؛ چنان‌كه پيامبر اكرم (ص) فرمود: سنته سنّتي، يقيم الناس علي مِلّتي و شريعتي و يدعوهم الي كتاب الله عز و جل.9

بجا است در سال رسول اعظم (ص)، به تبيين برخي ويژگي‌هاي مشترك پيامبر اكرم (ص) و امام مهدي(عج) بپردازيم:

1. موعود پيامبران و كتب آسماني گذشته

همان گونه كه پيامبر اكرم (ص) موعود پيامبران گذشته بود: ... وَمُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ...؛10 ]و من (حضرت عيسي(ع) [ بشارت دهندة رسولي هستم كه پس از من خواهدآمد و نام او احمد است.

هم‌چنين در آيه ديگري چنين آمده است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ ...11 ؛ كساني كه از پيامبر امي كه او را نوشته شده در نزد آنها در تورات و انجيل مي‌يابند، پيروي مي‌كنند.

حضرت مهدي نيز موعود اديان گذشته وانبياي پيشين است. قرآن مجيد به صراحت اين نكته رابيان كرده است كه:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛12 همانا ما در زبور پس از تورات چنين نوشتيم كه زمين را بندگان صالح من به ميراث خواهند برد.

2. شكوفا كردن عقل وفکر مردم

اميرالمؤمنين علي‌(ع) درباره نتايج بعثت پيامبر (ص) مي‌فرمايد: يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ13؛ براي آنان، گنجينه‌هاي خردها را استخراج كنند.

امام باقر (ع) درباره قيام حضرت مهدي(عج) مي‌فرمايد:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوس الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَملتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ14؛ زماني كه قائم ما به‌پا خيزد، خدا دستان آن حضرت را بر سر بندگان خدا مي‌گذارد، در نتيجه عقل‌هاي مردم مجتمع شده (نيرومند مي‌گردد) و آرزوهاي آنان به واسطه آن كامل مي‌شود.

3. يکساني پرچم و زره

پرچم مهدي(عج) پرچم رسول الله(ص) و زره او، زره آن حضرت است.

امام صادق (ع) فرمود:

كاني بالقائم علي نجف الكوفة و قد لبس درع رسول الله (ص) ... فينشر راية رسول الله15؛ گويا قائم (عج) را بر بلنداي كوفه مي‌بينم كه زره رسول الله را بر تن كرده، ... و پرچم آن حضرت را به اهتزاز درآورده است.

4. همساني ميقات دعوت و قيام

همان‌گونه كه بعثت پيامبر اكرم (ص) در شهر مكه بوده و پايه‌هاي اصلي اسلام، آن‌جا شكل گرفته است، آغاز دعوت و قيام حضرت مهدي(عج) نيز شهر مكه خواهد بود.

حذيفه، دربارة مهدي(عج) از رسول خدا (ص) چنين روايت مي‌كند: انه يبايع بين الركن و المقام اسمه احمد و عبدالله و المهدي...16؛ همانا او بين ركن و مقام با مردم بيعت مي‌كند. نام او احمد، عبدالله و مهدي است.

5. شناخت مردم از روي علامت ها

اميرالمؤمنين علي (ع) درباره آيه انَّ في ذلك لآياتٍ للْمتوسِّمين فرمود:

رسول خدا (ص) مردم را با نشانه‌هايشان مي‌شناخت (حقيقت ايمان يا كفر و...) و من و امامان از نسل من، متوسمين تا روز قيامتند (يعني حقيقت مردم را از روي نشانه‌ها مي‌شناسند)17.

6. تطهير و پاكسازي

از اهداف پيامبران، پاك ساختن فرد و جامعه از آلودگي‌هاي فكري و عملي است.

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا؛18 ]پيامبر [ از مردم زكات بگير كه به وسيله آن، آنان را پاك كني و رشد دهي.

در حديثي قدسي درباره حضرت مهدي(عج) چنين آمده است:

و لاطهِّرنَّ الارض بِآخِرهم من أعدائي و لأملكته مشارق الارض و مغاربها؛19 همانا زمين را به وسيله آخرين آنها از لوث دشمنانم پاك خواهم ساخت و او را بر مشرق و مغرب زمين فرمانروايي خواهم داد.

7. پيامبر (ص) و مهدي(عج) از بزرگان اهل بهشت

رسول خدا(ص) فرمود:

نحن بنو عبد المطلب سادة أهل الجنة رسول الله و حمزة سيد الشهداء و جعفر ذو الجناحين و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و المهدي(ع)؛20 ما فرزندان عبدالمطلب بزرگ اهل بهشت هستيم، رسول خدا، حمزه سيدالشهداء، جعفر طيار، علي، فاطمه، حسن، حسين و مهدي.

8. هر دو، خاتم هستند

پيامبر(ص) و مهدي(عج) هر دو خاتمند، يكي خاتم الانبيا و ديگري خاتم الاوصيا: مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ.21

رسول خدا(ص) فرمود: ألا إنّ خاتم الأئمة منا القائم المهدي22؛ آگاه باشيد كه خاتم امامان، از ما است كه قائم و مهدي است.

9. اجراي عدالت

از اهداف مهم رسالت پيامبر اكرم (ص) و همة پيامبران، اجراي عدالت و مساوات بوده است:

لقد ارسلنا رسلنا بالبيّنات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط؛23 ما رسولان خود را با دلايل روشن فرستاديم و با آنها، كتاب ]آسماني[ و ميزان نازل كرديم، تا مردم، عدالت را برپا كنند.

از اهداف اساسي قيام حضرت مهدي (عج) نيز برپايي عدالت است: فيملأها عدلاً و قسطاً كما مُلئت ظلماً و جوراً.24

10. رحمت

پيامبر اسلام (ص) و اهل بيت(، مظهر و تجلي رحمت گستردة الهي‌اند:

و ما ارسلناك الا رحمةً للعالمين؛ و تو را نفرستاديم، مگر رحمتي براي جهانيان.25

در حديث لوح جابر، در كلام فاطمه زهرا (، از امام مهدي رحمة للعالمين تعبير شده است. در زيارت آل ياسين نيز آمده است: و الغوث و الرحمة الواسعة؛ ]سلام بر تو اي[ فرياد‌رس و رحمت گستردة ]الهي[.

11. ظلم ستيزي

پيامبر خدا (ص) پيش از اسلام، با عده‌اي از جوانمردان مكه، پيمان حلف الفضول را براي ياري ستمديدگان بست، و زماني ديگر درباره آن فرمود: شهدته و ما احب ان لي به حمر النعم و لا يزيده الاسلام الاشدةً26؛ من در پيمان حلف الفضول حاضر بودم و دوست ندارم كه در عوض آن شتران سرخ موي به من داده شود و اسلام بر آن عهد و پيمان جز تأكيد نيفزود.

حضرت مهدي(عج) نيز براي ياري ستمديدگان تاريخ به‌پا مي‌خيزد و زمين را پر از عدل و داد مي‌سازد. آن‌سان كه در همه عرصه‌ها، عدالت نهادينه شده و ستم، رخت بر مي‌بندد. نهادهاي قدرت و قانون جهان، ديگر حامي ستمكاران و قدرتمندان نخواهند بود؛ ديگر با حمايت اربابان زور و زر، شيعيان جنوب لبنان قتل عام نخواهند شد، و زنان و كودكان بي‌گناه زير آوارهاي قانا ناله سرنخواهند داد؛ همان‌گونه كه حضرت امام حسين(ع) دربارة رسالت امام مي‌فرمايد: ويامن المظلومون من عبادك27.

واجعله اللهم مفزعاً لمظلوم عبادك و ناصراً لمن لايجد له ناصراً غيرك.28

------------------

پي نوشت:

1 . شيخ عباس قمي، مفاتيح‌الجنان، دعاي عهد.

2 . شيخ صدوق، كمال‌الدين، ج2، ص411.

3 . علامه مجلسي، بحارالانوار، ج51، ص59.

4 . مفاتيح‌الجنان، زيارت آل يس.

1 . سيد بن طاووس، جمال الاسبوع، ص314؛ كليني، اصول كافي، ج1، ص237.

2 . كمال الدين، ج2، باب29، ح5.

3 . مجلسي، بحارالانوار، ج7، ص20.

4 . كمال الدين، ج1، ص534.

5 . كمال الدين، ج2، 411.

10 . سوره صف: 6.

11 . سوره اعراف: 157

12 . سوره انبياء: 105.

13 . نهج البلاغه، خطبه1.

14 . كليني، اصول كافي، ج1، ص25.

15 . بحارالانوار، 52، ص328.

16 . شيخ طوسي، الغيبة، 454.

17 . بحارالانوار، ج17، ص147.

18 . سوره توبه: 103.

19 . كمال الدين، ج1، ص255.

20 . شيخ صدوق، امالي، ص475.

21 . سوره احزاب: 40.

22 . بحارالأنوار، ص37، ج213.

23 . سورة حديد: 25.

24 . صافي گلپايگاني، منتخب الاثر، ص247.

25 . سوره انبياء: 107.

26 . ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج14، ص120.

27 . بحارالانوار، ج97، ص79.

28 . مفاتيح‌الجنان، دعاي عهد.